

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Summer 2023, Vol.4, No.2, Serial Number 14, pp 37-55

doi 10.22077/vssd.2023.5890.1154



Addressing Social Challenges Faced by Local Managers in the Process of Rural Sustainable Development (Case Study: Villages in Shaft County)

Sayedh Somayeh Mosavian¹, Eisa Pourramzan^{2*}, Mohammad Baset Ghoreishi³, Taymor Amar⁴

1. Ph.D student, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
3. Assistant Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
4. Associate Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

*Corresponding author, Email: pourramzan@iaurasht.ac.ir

Keywords:

Social challenges, rural management, sustainable development, Shaft County

Abstract

The role of local managers in driving sustainable development in rural settlements is irrefutable. In the context of sustainable development, local managers possess the potential to promote social well-being and economic prosperity in rural areas, while also mitigating known issues plaguing these regions. This research aims to identify the social challenges confronted by local managers, comprising village leaders and Islamic councils, within the villages of Shaft city during the pursuit of sustainable rural development. This study adopts an applied approach in terms of its objective and a descriptive-analytical methodology in terms of its nature and research execution. The requisite data has been gathered from documentary sources and field studies. The statistical population for this research encompasses local managers from 94 inhabited villages in Shaft city, who completed questionnaires utilizing the census method. Data analysis was performed through statistical methods, employing the factor analysis technique. The results highlight the most prominent social challenges faced by local administrators in the villages of Shaft city, which include security, education, participation, migration, trust, social deficiencies, and investment. The investment challenge, with a factor load of 0.848, exerts the most substantial influence on the sustainable development process. To address these challenges, practical solutions are recommended, including stimulating participation and collaboration among villagers in maintaining and operating existing facilities within the village. Additionally, leveraging the expertise of knowledgeable and literate individuals, especially the youth, gaining the trust of villagers, conducting regular training courses for local managers, and establishing grassroots organizations and institutions in the village are deemed crucial steps in reducing the social challenges confronted by local managers in the villages of Shaft County.

Received:

17/Dec/2022

Revised:

09/Feb/2023

Accepted:

05/Mar/2023

How to cite this article:

Mosavian, S., Pourramzan, E., Ghoreishi, M., & Amar, T. (2023). Explaining the social challenges of local managers in the process of sustainable development (Case Study: villages of Shaft County). *Village and Space Sustainable Development*, 4(2), 37- 55. [10.22077/vssd.2023.5890.1154](https://doi.org/10.22077/vssd.2023.5890.1154)





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره چهارم، شماره دوم، پیاپی چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۳۷-۵۵

10.22077/vssd.2023.5890.1154



تبیین چالش‌های اجتماعی مدیران محلی در فرایند توسعه پایدار روستایی

(مطالعه موردی: روستاهای شهرستان شفت)

سیده سمیه موسویان^۱، عیسی پوررمضان^{۲*}، محمد باسط قریشی^۳، تیمور آمار^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۳. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

۴. دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول، ایمیل: pourrazan@iaurasht.ac.ir

چکیده:

نقش مدیران محلی در توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی غیر قابل انکار است. مدیران محلی با توجه به بحث توسعه پایدار می‌توانند زمینه رفاه اجتماعی و مطلوبیت اقتصادی در نواحی روستایی را فراهم و مانع از بروز مشکلات شناخته شده در این نواحی شوند. هدف پژوهش حاضر تعیین چالش‌های اجتماعی مدیران محلی (دهیاران و شوراهای اسلامی) روستاهای شهرستان شفت در فرایند توسعه پایدار روستایی است. از این رو پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش انجام کار توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع اسنادی و مطالعات میدانی بدست آمده است. جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران محلی ۹۴ روستای دارای سکنه شهرستان شفت بوده که از روش تمام شماری اقدام به تکمیل پرسشنامه شده است. نتایج نشان داد که مهمترین چالش‌های اجتماعی مدیران محلی در روستاهای شهرستان شفت شامل امنیت، آموزش، مشارکت، مهاجرت، اعتماد، نارسایی‌های اجتماعی و سرمایه گذاری هستند و چالش سرمایه‌گذاری با بار عاملی ۰/۸۴۸ بیشترین تأثیر را بر فرایند توسعه پایدار دارد. تشویق به مشارکت و همکاری روستاییان در نگهداری و بهره برداری از تاسیسات موجود در روستا، بهره‌گیری از توان مطلعین و افراد باسواد (بالاخص نیروی جوان)، جلب اعتماد روستاییان، برگزاری دوره‌های منظم آموزشی برای مدیران محلی و تشکیل سازمان‌ها و نهادهای مردمی در روستا از مهمترین راهکارهای عملی جهت کاهش چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت می‌باشد.

واژگان کلیدی:

چالش‌های اجتماعی، مدیریت روستایی، توسعه پایدار روستایی، شهرستان شفت.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۰/۲۳

۱- مقدمه

شناخت دقیق مسائل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۳). مدیریت یک عامل مهم در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را کنترل می‌کند. با توجه به نقشی که نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها و بویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی ایفا می‌کنند از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردارند و بدون سازماندهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهد شد (ریاحی و معصومی، ۱۳۹۹، ۲). اگر به توسعه نگاهی سیستمی داشته باشیم عناصر اصلی آن مردم، منابع و سرزمین به شمار می‌روند و ترکیب مطلوب این عناصر بر اساس مشارکت و در قالب نظام سازمانی، اجتماعی و فضایی مناسب به معنای دستیابی به توسعه خواهد بود (جمعه‌پور، ۱۳۸۹، ۶۷-۶۵). مدیریت روستایی از ارکان اصلی و جدانشدنی توسعه روستایی است (مین‌باشی و همکاران، ۱۴۰۱، ۴۷) و مجموعه‌ای اعم از دولتی یا مردمی، فردی یا گروهی و در اشکال کلان و خرد که به عنوان متولیان امور مربوط به روستاها فعالیت دارند، تعریف می‌شود. گسترش مفهوم مدیریت روستایی علاوه بر این که مشکلات رسیدگی به امور مربوط به روستاها را بیان می‌کند چگونگی مواجهه مطلوب با روستاها و برنامه‌ریزی روستایی را برای کارشناسان و متخصصین نیز آشکار می‌سازد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳، ۱۷۸). مفهومی دیگری که در کنار مدیریت روستایی وجود دارد، مدیریت محلی است. مدیریت محلی موجودیتی سازمان‌یافته است که دارای مشخصه‌های حکومتی بوده و استقلال اداری و مالی و نه سیاسی قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد و هدف از ایجاد آن ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثر کارایی و اثربخشی است (مقیمی، ۱۳۸۲). مدیریت محلی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها روستایی شود (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۳۰). به عبارت دیگر وظیفه اصلی مدیریت محلی؛ ایجاد تسهیلات و حمایت همه جانبه و برداشتن موانع است. بر این اساس مدیریت محلی، از مهمترین متغیرهای حمایت‌گر روستاییان محسوب می‌شود (شفیعی‌ثابت و ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۹).

روستاهای ایران از زمان‌های گذشته تا به امروز با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو بوده‌اند که از جمله آن می‌توان به عدم توجه مدیریت پایدار در روستاها اشاره کرد که خود زمینه‌ساز ایجاد مسائل و چالش‌هایی نظیر مهاجرت روستاییان به شهر، عدم مشارکت مردمی در فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌های دستوری و بیکاری جوانان و غیره بوده است (موسوی و بدری، ۱۳۹۱). در این راستا وجود مدیریت محلی برقراری امور و سازماندهی برنامه یا چارچوب مشخص که به بررسی و شناسایی مشکلات روستا و اتخاذ بهترین راه حل ممکن برای رفع آن‌ها می‌پردازد، ضروری به نظر می‌رسد. ضرورت توسعه و مدیریت شایسته در تخصیص امکانات و استفاده از ظرفیت‌ها بومی در مناطق روستایی از اولویت‌ها به شمار می‌رود (Brown, 2010, 563). اما با نگاهی به تغییر و تحولات مدیریت روستاها در ایران طی چند دهه قبل، در بیشتر مواقع با ضعف و خلاءهای بسیاری در کشور روبرو بوده‌ایم. چنانچه به اعتقاد صاحب نظران امر، همین سوء مدیریت‌ها، به مانعی در مسیر توسعه تبدیل شده است (رضاییان، ۱۳۸۰). می‌توان استدلال کرد که در مناسبات توسعه و مدیریت بخش روستایی، غالب مسائل اجتماعی، اقتصادی، در روستا ختم می‌شود. این موضوعی است که در طول دوره‌های مختلف و شاید بتوان گفت در طول قرن‌ها شکل گرفته است (آسایش، ۱۳۹۲، ۸۱). در واقع برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. این گونه برنامه‌ها را که دولت‌ها و یا عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می‌کنند دگرگونی اجتماعی براساس طرح و شکل نیز می‌گویند. این امر در میان

کشورهای جهان سوم که دولت‌ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند مورد پیدا می‌کند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست (ازکیا، ۱۳۹۱، ۷۴).

پس از درک مفهوم مدیریت، مدیریت روستایی، مدیریت محلی و مدیریت پایدار می‌توان بیان نمود مدیریت محلی به عنوان بازوی اجرایی دولت در روستا محسوب می‌شود و سازمان مدنی و نیمه دولتی در کشور است که در درون روستاها به انجام وظیفه در جهت رسیدن به توسعه مشغول هستند. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها است. دهیاری‌ها (همچنین مدیران محلی) نه تنها خلاء مدیریتی در روستا را پر می‌نمایند بلکه شکل‌گیری آن‌ها فرصتی استثنایی برای جامعه روستایی است تا شیوه جدید مدیریت و اداره امور خود را بیازماید. امروزه با در نظر گرفتن منابع محلی و بومی، ضرورت مشارکت روستاییان برای دستیابی به توسعه روستایی امری اجتناب‌ناپذیر بنظر می‌رسد. فرآیند ایجاد تحول و پیشرفت در سطح روستاها با تلاش و کوشش مدیران محلی ماندگار خواهد شد، چرا که با حضور مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مشکلات و نارسایی‌ها به درستی شناسایی شده و برای رفع آن‌ها اقدام خواهد شد. لذا، این شناخت و آگاهی در مورد مدیریت و منابع پایه روستایی ضروری به نظر می‌رسد. مدیریت توسعه روستایی در ایران همانند سایر سطوح مدیریتی از گذشته دور تا کنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده که بزرگان این عرصه نیز در مطالعات خود از آن‌ها نام برده‌اند و برنامه‌ریزان برای حل این مشکلات و کمبودها تشکیل مدیران محلی روستا را در رأس برنامه‌ها قرار دادند تا بتوانند گام مثبتی به سوی جلب مشارکت بیشتر روستاییان در مدیریت توسعه روستایی بردارند.

شهرستان شفت با ۹۹ روستا (۹۴ روستای دارای سکنه و ۵ روستای خالی از سکنه) در غرب استان گیلان قرار دارد که جمعیت آن در سطح نواحی جلگه‌ای و کوهستانی شهرستان پراکنده شده است. بیش از ۶۰ درصد روستاهای این شهرستان دارای دهیاری تمام وقت و سایر روستاها بدلیل کوچک بودن، دارای دهیارنیمه وقت هستند. با توجه به چالش‌هایی که در بحث مدیریت روستایی از جمله تجربه کم مدیران، محدودیت شدید سرانه اعتباری، ضعف بنیه اقتصادی روستاییان، فقر زیرساخت‌های مدیریت روستایی و نیز فقدان مدیریت واحد در روستاها، ضعف منابع مالی، مشارکت نداشتن اهالی در مدیریت روستایی، بالا بودن هزینه‌ها، کمبود ماشین‌آلات و تجهیزات و مانند آن‌ها وجود دارد و با توجه به اهمیت و نقش مدیریت محلی در توسعه پایدار روستایی، شناخت و تحلیل چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت ضروری به نظر می‌رسد، لذا این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال اصلی است که مهمترین چالش‌های مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت در فرایند توسعه پایدار روستایی کدام است؟

۲- بنیان نظریه‌ای

در جهت روشن شدن بیشتر موضوع مورد بحث یعنی چالش‌های مدیران محلی در فرایند توسعه روستایی برخی از تحقیقات صورت گرفته در زمینه چالش‌های مدیران روستایی ارائه شده است. پوررمضان (۲۰۲۱) در تحلیل چالش‌های اجتماعی - فرهنگی روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت در فرایند توسعه روستایی اظهار می‌دارد که مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی روستا در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی با میانگین ۴/۴۲، مهاجرت معکوس و مشکلات اجتماعی ناشی از احداث خانه‌های دوم با میانگین ۴/۴۱ و مهاجرت جوانان روستا به شهر و عدم شرکت در انتخابات شورا با میانگین ۴/۴۰ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و اختلافات قومی و طایفه‌ای در سطح روستاها با میانگین ۴/۳۵، پایین بودن هماهنگی بین مدیران محلی و مردم در جهت رفع مشکلات روستا با میانگین ۴/۳۴ و ضعف فرهنگ کار جمعی و گروهی با میانگین ۴/۱۳ به عنوان مهمترین چالش‌های فرهنگی مدیران روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت بوده است. قدیری معصوم

و ریاحی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران به بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران پرداخته و اظهار می‌دارد که پس از انقلاب، مدیریت روستایی بر محور پیش روستاییان و جامعه روستایی استوار گردید و از این رو مشارکت روستاییان در اداره‌ی روستاها از دهه‌های قبل در چارچوب قانون به صورت سازمان یافته و فراگیر شکل گرفت؛ به ویژه آن که پس از سال ۱۳۷۷ و با تأسیس دهیاری‌ها در برخی روستاها، اداره‌ی روستاها به دهیاری‌ها که برخاسته از بطن روستا هستند سپرده شد. با این وصف هر یک از دو مقطع فوق که از منظر اعمال برنامه‌ها از بالا به پایین و از پایین به بالا نیز قابل بررسی است در عمل با موفقیت‌ها و چالش‌هایی روبرو بوده است. نعمتی و بدری (۱۳۸۶) در ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ که به صورت موردی در استان گلستان انجام شده به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد. علاوه بر اینکه دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر، موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده است. جاجرمی و کریمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی اظهار می‌دارند که مهمترین چالش‌های اجتماعی شوراهای اسلامی، سهم اندک زنان در مدیریت روستایی علی‌رغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها، پایین بودن سرمایه انسانی اعضای شوراها و روستاییان، مهاجرت اعضای شورا و جمعیت جوان روستایی به شهرها و همچنین کاهش میزان سرمایه اجتماعی میان شوراها و روستاییان می‌باشد. حیدری مکرری و نظری (۱۳۹۰) در بررسی چالش‌های مدیریتی روستاهای صفی‌آباد شهر جوانرود، به این نتیجه رسیده‌اند که کمبود منابع مالی، عدم هماهنگی شورا، دهیاری و مردم و نبود آموزش کافی از جمله مشکلات مدیریت روستایی است. مهم‌ترین مشکل در مدیریت روستایی کشور عملکرد دولت است، هر چند که به باور دهیاران اختیارات این نهادهای مدیریتی کافی می‌باشد. بدری (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی، به بررسی دوره‌های مختلف مدیریت روستایی در ایران اشاره نموده و ضمن بیان مهمترین چالش‌های مدیران محلی، برای چالش‌های موجود راهکارهایی را پیشنهاد نموده است. مولائی هاشجین و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل، نشان می‌دهند که می‌توان از طریق توسعه کار آفرینی و نیز رویکرد مشارکتی به برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ضمن تقویت روحیه و بسط انگیزه زمینه‌های امیدواری را در روستاها تقویت نموده تا از این طریق انگیزه ماندگاری در روستاها را تحکیم بخشید. مرادی و آگهی (۱۳۹۳) در واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی، نشان دادند که دهیاری‌های مورد مطالعه به ترتیب اهمیت با چالش‌هایی نظیر عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی نسبت به وی، عدم همکاری و حمایت سازمان‌های محلی و دولتی با دهیار، تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی، ضعف روحیه همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره، کمبود تجهیزات و منابع مالی مواجه‌اند. دربان آستانه (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان چالش‌های استقرار مدیریت روستایی در روستاهای کوچک و پراکنده کشور بیان می‌کند که روستاهای مطالعه با چالش‌های متعددی از جمله تغییرات جمعیتی و پیری جمعیت، پایین بودن سطح سواد، پایین بودن سطح اشتغال، سطوح پایین خدمات دهی عمومی، سطوح پایین فعالیت بخش خصوصی، پراکنش و انزوای زیاد و نیز تراکم اندک جمعیتی مواجه‌اند. محمدزاده (۱۳۹۵) در پژوهش مروری بر مشکلات مدیریتی در روستاهای ایران با رویکرد محیط‌زیستی، به این نتیجه رسیده که وجود مشکلاتی چون افزایش جمعیت و تمرکز آن در بخش‌های خاصی از زیست بوم‌ها می‌باشد، که آثار مستقیمی بر کیفیت محیط زیست در مناطق روستایی داشته است. بدین صورت که رشد جمعیت، فقر و فرسایش محیط زیست در کشورهای رو به رشد، دور باطلی را ایجاد کرده که بر زندگی مردم به شدت تأثیر گذاشته و تلاش‌های کشورهای در حال توسعه را برای دستیابی به توسعه

پایدار، بی‌نتیجه گذاشته است. ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان چالش‌های فراروی مدیریت روستایی در ایران بیان می‌کنند که چالش‌های درونی شامل بیسوادی، ضعف در مشارکت مردم محلی، کم‌تجربگی دهیاران و از جمله چالش‌های بیرونی می‌توان به محدودیت قدرت اجرایی مدیران محلی، تمرکز گرایی، تغییر مداوم ساختار مدیریت روستایی، تداخل وظایف سازمان‌ها و نهادها اشاره کرد. مهرزاده و امیرلو (۱۳۹۶) به تحلیل چالش‌های اجتماعی - اقتصادی مدیران در فرآیند توسعه پایدار روستایی استان گیلان پرداخته‌اند و عدم حفظ منابع طبیعی، عدم اجرای صحیح طرح‌های، مهاجرت روستاییان به شهر و مشارکت پایین روستاییان در امور روستا مهمترین چالش‌های اجتماعی و کمبود منابع مالی و عدم تخصیص به موقع اعتبارات و تسهیلات مهمترین چالش‌های اقتصادی مدیران محلی روستاها می‌باشد. شفیع‌ثابت و سالاری (۱۳۹۸) در تحلیل چالش‌های مدیریت روستایی برای توسعه پایدار روستایی در ایران، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سکونتگاه‌های روستایی برای بهبود ابعاد توسعه پایدار را جنبه مدیریتی دانسته‌اند. از جمله مهمترین این چالش‌ها می‌توان به ساختار مدیریتی متمرکز در ایران و الگوی توسعه از بالا به پایین، کمبود منابع مالی، کم‌توجهی به سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی، کم‌توجهی به دانش بومی، کم‌توجهی به توانمندسازی روستاییان، فقدان عدالت و برابری، کم‌توجهی مدیران به قانون محوری اشاره کرد. کبیری و ولائی (۱۳۹۸) چالش‌های مدیریت نوین روستایی در روستاهای شهرستان میان‌دوآب را بررسی و به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دهیاران عبارتند از: عدم امنیت شغلی، ضعف انگیزشی، عدم توانمندی فردی، ضعف سازمانی، مشکلات و ضعف‌های مقرراتی، ضعف‌های مالی دهیاری‌ها و غیره همچنین نتایج کمی نشان داد که از میان شش عامل اصلی در زمینه چالش‌های پیش روی مدیریت نوین روستایی با مجموع ۶۲/۹۷ درصد واریانس، مهم‌ترین عوامل عبارت‌اند از عدم امنیت شغلی، ضعف مالی، فقدان انگیزه، عدم درآمدزایی، نگرش منفی مردم و تعصبات شوراها. ریاحی و معصومی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری شیراز اظهار می‌دارند که در روستاهای مورد مطالعه اختلاف معناداری بین چالش‌های مدیریت روستایی در ابعاد مختلف وجود دارد. نتایج نشان داد با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش‌های مدیریت روستایی تأثیر کمتری بر توسعه نیافتگی روستاهای پیرامون شهر داشته است. در واقع روستاهایی که به شهر نزدیکتر بوده‌اند بیشتر تحت تأثیر قوانین و مقررات شهر قرار داشته‌اند.

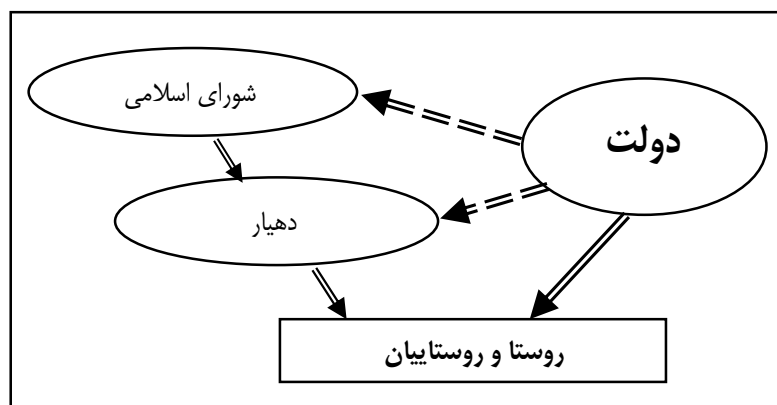
بر اساس موارد ارائه شده عمده پژوهش‌های انجام شده در خصوص چالش‌های مدیران محلی سکونتگاه‌های روستایی در راستای چالش‌های اقتصادی بوده و در زمینه چالش‌های اجتماعی که از مهمترین زمینه‌های توسعه روستایی است، مطالعات کمی توسط محققان صورت گرفته است.

در فرآیند نظریه‌های مربوط به نقش مردم و دولت در موضوع توسعه روستایی، بر تشکیل سازمان‌های محلی به دست اجتماعات محلی تأکید شده است تا سازمان‌های محلی نقش فعالی را در توسعه و اداره امور محلی برعهده گیرند. جامعه‌ی روستایی نوعی تشکل اجتماعی است که بر پایه‌ی ارتباط بین مردم و نهادهای محلی مرتبط با آن‌ها شکل گرفته است. مدیریت روستایی به نوعی شیوه، سازمان و نظم و نسق این ارتباط به شمار می‌آید و به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی دستیابی به توسعه روستایی، از راهبردهای کلان ملی و رهیافت‌های موجود در زمینه‌ی مدیریت تأثیر می‌پذیرد (پوررمضان، ۱۴۰۱، ۹۹). مدیریت روستایی شامل مدیریت منطقی منابع انسانی و طبیعی در محیط‌های روستایی برای نیل به هدف توسعه پایدار اجتماعات محلی و زیست محیطی بر اساس فرایندهای علمی و مدیریتی علمی و مدیریتی است. برخی معتقدند اصل در مدیریت مستقل ایجاد و تناسب بین یک سری اصول، نظریه و یا تکنیک‌های مرتبط با شرایط بومی و فرهنگی خاص است تا بتوان در نزدیکترین فواصل ممکنه، نیاز واقعی یک جامعه را جابگو بود (ازکیا، ۱۳۷۷، ۶۴).

هدف مدیریت روستایی دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه پایدار روستایی می‌باشد. پس مدیریت روستایی دارای نقاط مشترکی با اهداف توسعه روستایی و توسعه پایدار است. این اهداف مشترک عبارت‌اند از تأمین نیازهای اساسی، افزایش

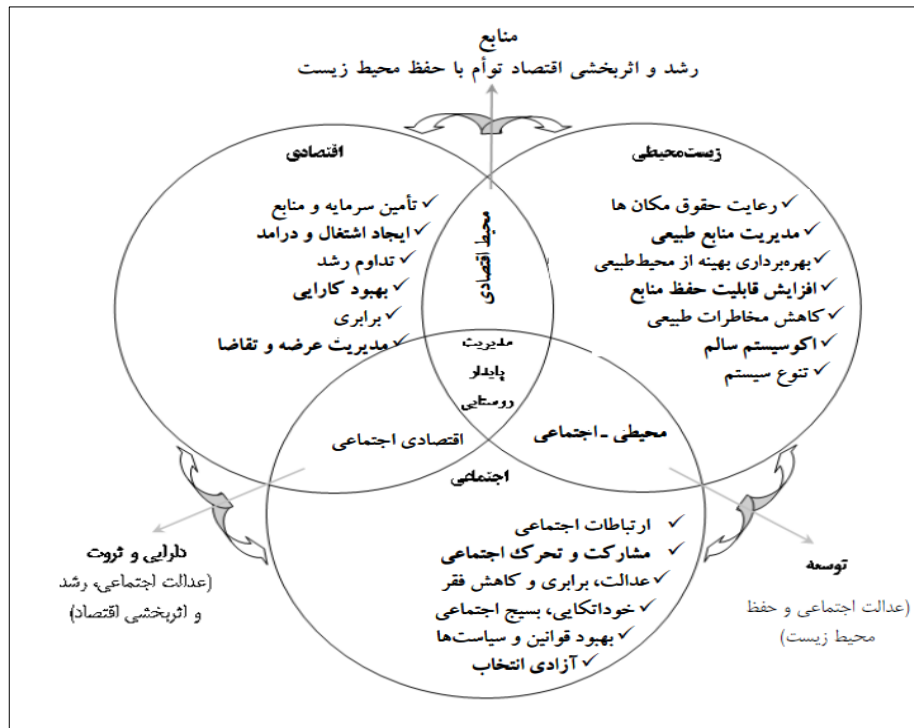
تولید و امنیت غذایی، کاهش فقر، افزایش درآمد، حفظ محیط زیست، توسعه فرصت‌های شغلی، افزایش مشارکت و اعتماد به نفس. اهداف مشترک مبتنی بر اصول بنیادین است که هیچ کشوری نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد؛ یعنی مجموع این اصول و اهداف باید منجر به عدالت- به ویژه عدالت مکانی گردد (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲). بنابراین، هدف کلی مدیریت روستایی، حرکت برای رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در روستا، هم سو با بهبود وضعیت جامعه روستایی ایران است (طالب، ۱۳۸۵، ۶).

بررسی تحولات روستایی پیش از مشروطیت نشان می‌دهد تا هنگام پیدایش نخستین نشانه‌های دولت مدرن در ایران و تأسیس نهاد قانون گذاری، تحولات روستاهای ایران، متأثر از وضعیت اداره کشور و متکی بر قوانین عرفی ناشی از شرایط فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی بود. روابط و تحولات در محیط روستاها با یکدیگر و یا با نواحی شهری، بر پایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافت و به جز موارد خاص عملاً برنامه یا اراده خاصی برای بهبود وضعیت روستاییان از طریق حکومت مرکزی وجود نداشت. در این دوران مدیریت روستایی به شیوه‌ها و شکل‌های سنتی امور عمومی ده خود را اداره می‌کرد. در این میان نقش کدخدا تعیین کننده بود زیرا وی فردی بود که از یک سو به رعیت‌ها تعلق داشت و از سوی دیگر انتصاب او به این سمت را مالکان انجام می‌دادند. او نقش واسطه و نیز اداره امور جماعت را بر عهده داشت تا به گونه‌ای کدخدانمشانه و در حد توش و توان رعیت کار بهره‌کشی از رعایا را سامان دهد. اما بتدریج با شکل‌گیری انجمن عمران ده در سال ۱۳۳۴ و انجمن ده در سال ۱۳۳۵، مدیریت روستایی وارد مرحله جدیدی گردید که با استفاده از کدخدا به عنوان بازوی اجرایی به اعمال سیاست‌های توسعه روستایی می‌پرداختند (ودیدی، ۱۳۸۴، ۱۸۵). بعد از انقلاب اسلامی وظیفه مدیریت روستایی بر عهده شورای اسلامی روستا قرار گرفت که جایگزین انجمن ده شده بود. اما به مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه می‌داد. با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۷۷، دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا در نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت. مدیریت روستایی در ایران طی دهه‌های اخیر شاهد تغییرات و تحولات متعددی در عرصه نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی بوده است. ساختار مدیریت روستایی کنونی حاصل تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و به تبع آن قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور که وظیفه تصمیم‌گیری را بر عهده شورای اسلامی روستا و وظیفه اجرای مصوبات را بر عهده دهیاری قرار داد. علی‌رغم نقش و جایگاه بالقوه و قانونی دهیاری‌ها در عرصه توسعه روستایی کشور، تعدد و پراکندگی گسترده، تنوع حوزه وظایف، محدودیت منابع اعتباری و نیز تجربه اندک دهیاران و پرسنل دهیاری در این خصوص، فرصت‌ها و تهدیدهایی به شمار می‌روند که تنها در صورت اعمال مدیریت علمی و هدایت صحیح می‌توانند منشأ قابلیت‌های بالقوه و مورد انتظار باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶).



شکل ۱. چهار ضلعی ساختار مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی در ایران

در توسعه پایدار روستایی، مدیریت یعنی تنظیم رابطه انسان با محیط زیست خود، که در آن به پیوند نظام‌های اجتماعی، اقتصادی با نظارت‌های بوم شناختی توجه می‌شود (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲). بنابراین، در فرآیند توسعه پایدار می‌توان مدیریت روستایی را در سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و محیطی در نظر گرفت، که هر یک از این ابعاد دارای جنبه‌های خاص خود هستند و اهداف مدیریتی در آن‌ها متفاوت است.



شکل ۲. مدیریت روستایی با دیدگاه توسعه پایدار (منبع: رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۶: ۱۳)

چالش‌های مدیران روستایی در دوره قبل از انقلاب، به بخشی نگری، عدم توجه به تنوع فضایی عرصه‌های روستایی، فقدان رویکرد نظری پایدار به توسعه کالبدی، ناپایداری‌های سیاسی، فقدان نگرش یکپارچه و راهبردی به توسعه روستایی، ضعف ساختاری - عملکردی در مدیریت توسعه روستایی و غیره باز می‌گردد (از کیا، ۱۳۷۷، ۳۰۷ - ۳۰۰) و در دوره پس از انقلاب، تمرکز گرایی و چیرگی رویکرد بخشی؛ فقدان نگرش سیستمی، یکپارچه و راهبردی پایدار به توسعه کالبدی روستایی؛ عدم توجه به تنوع فضایی عرصه‌های روستایی در کشور؛ ناپایداری‌های سیاسی (بویژه در دوره برنامه چهارم)؛ فقدان منابع اقتصادی پایدار جهت برنامه‌ریزی؛ ضعف کارکردی مدیریتی و موازی کاری‌های نهادی؛ از جمله مهمترین چالش‌های موجود بوده‌اند. نظریه مطرح در زمینه تحقیق می‌تواند به توسعه از پایین به بالا با تأکید بر هدف‌های اجتماعی، رفع نیازهای اساسی مردم است که در برنامه‌ریزی توسعه از پایین به بالا، به توسعه در سطوح محلی و مشارکتی اهمیت بیشتری داده شده و در اولویت قرار می‌گیرد (آسایش و استعلاجی، ۱۳۹۴، ۷۶).

روش، تکنیک‌ها و قلمرو

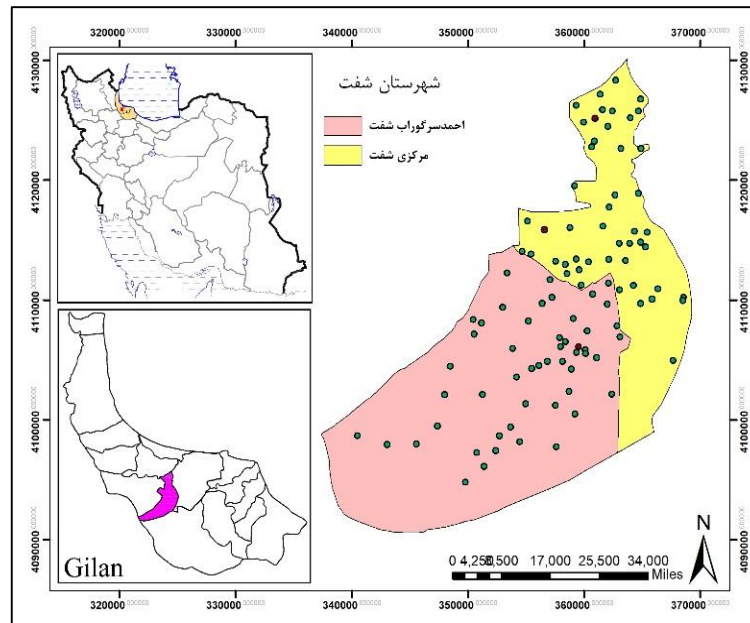
پژوهش حاضر از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت و روش انجام کار توصیفی - تحلیلی است. در بررسی و شناخت وضع موجود از روش توصیفی و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از روش تحلیلی بهره برده شده

است. اطلاعات مربوط به پیشینه و سابقه موضوع، چهارچوب نظری و قلمرو پژوهش از طریق روش اسنادی و برای تعیین مهمترین چالش‌های اجتماعی مدیران محلی (دهیاران و شوراهای اسلامی) از مطالعات میدانی بهره برده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران محلی سکونتگاه‌های روستایی دارای سکنه شهرستان شفت بوده که شامل ۳۹۷ نفر (دهیاران و اعضای شورای اسلامی) است. شهرستان شفت دارای ۹۹ سکونتگاه روستایی است که ۹۴ سکونتگاه آن دارای سکنه و ۵ روستا خالی از سکنه هستند. اطلاعات مورد نیاز به کمک ابزار پرسش‌نامه و به شیوه مصاحبه از دهیاران و شوراهای اسلامی (مدیران محلی) جمع‌آوری شده است. روایی ابزار پرسش‌نامه با استفاده از نظر متخصصین و پایایی آن از طریق آزمون آلفای طریق کرونباخ به مقدار ۰/۹۲۱ بدست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل عاملی و برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزار SPSS، برای ترسیم جداول از نرم‌افزار Excel و برای ترسیم نقشه از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است. متغیر مستقل پژوهش چالش‌های اجتماعی مدیران محلی و متغیر وابسته آن توسعه پایدار روستایی می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌ها و مولفه‌های پژوهش

پایایی ابزار تحقیق	گویه‌ها
۰/۹۲۱	عدم ایجاد امنیت در روستا، عدم توجه به نقش زنان در فعالیتهای اجتماعی، عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره برداری از تاسیسات، مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه رو، ضعف آموزش و تخصص لازم مدیران محلی، مهاجرت نخبگان، مطلعین محلی و باسواد روستا به شهر، تمایل نداشتن نخبگان روستایی به عضویت در شوراهای اسلامی و دهیاری، عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی، بی توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی، نبود کلاس‌های آموزشی برای مدیران محلی، عدم شرکت مدیران محلی در کلاس‌های آموزشی و تخصصی، همکاری پایین اعضای شورای اسلامی با دهیاران، عدم برنامه‌ریزی از طرف شوراهای دهیاران برای ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی، مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر، عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت، نبود انگیزه در اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران برای پیگیری مسائل و مشکلات روستا، عدم نگرش تخصصی و علمی در مدیران محلی، پایین بودن سرمایه انسانی (سطح سواد عمومی و تخصصی و ...) مدیران محلی و روستاییان، پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی (همدلی، اعتماد، مشارکت، انسجام اجتماعی و ...) در روستاها، مشارکت و سهم پایین زنان در ساختار مدیریت محلی روستاها، عدم اشتغال جوانان (بیکاری نیروی کار فعال) در روستا، فقدان الگوی مشخص از نحوه ساخت و نوع بافت سکونتگاهی، برخوردها و درگیری‌های فیزیکی میان جامعه محلی با افراد غیر بومی به واسطه ساخت خانه‌های دوم در روستا، حفظ بافت کالبدی در راستای طرح‌های توسعه روستا، وجود نارسایی در قوانین و مقررات بهسازی روستاها، تعداد زیاد دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و انجام موازی کاری در روستاها، انتظارات بالای روستاییان از مدیران محلی و توان محدود شوراهای اسلامی و دهیاران، پایین بودن حس تعاون و همکاری بین روستاییان با مدیران محلی، کمبود سازمانها و نهادهای مردمی برای مشارکت در توسعه، روستایی، دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، عدم مشارکت مردم در ساختار مدیریت روستایی

قلمرو جغرافیایی تحقیق حاضر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان شفت می‌باشند. شهرستان شفت در ناحیه غربی استان گیلان واقع شده و از شمال به شهرستان‌های رشت و صومعه‌سرا، از جنوب به استان زنجان و رودبار، از شرق به شهرستان رشت و از غرب به شهرستان فومن محدود می‌شود. این شهرستان با ۶۸۱/۳ کیلومتر مربع مساحت در ۴۸ درجه و ۵۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. شهرستان شفت بر اساس آخرین تقسیمات اداری - سیاسی استان گیلان دارای دو بخش مرکزی و احمد سرگوباب، چهار دهستان جیرده، ملاسرا، احمد سرگوراب و چوبر، ۹۹ آبادی در قالب ۹۴ آبادی دارای سکنه و ۵ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. شهرستان شفت در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۸۴۱۶ خانوار با ۵۴۲۲۶ نفر جمعیت بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۶).



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

بررسی مربوط به ترکیب پاسخگویان بر حسب جنس نشان می‌دهد که از مجموع پاسخگویان ۹۷ درصد مرد و ۳ درصد زن بوده‌اند. بررسی ترکیب سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۹/۴ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۴۰/۶ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ سال بوده‌اند. میزان تحصیلات مدیران محلی محدوده مورد مطالعه در ۵ گروه زیردیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر بررسی شده است. از مجموع مدیران محلی ۲۱/۴ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۰/۱ درصد دارای مدرک کاردانی و ۶۸/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی می‌باشند. شغل ۸۰/۶ درصد از پاسخگویان کارمند و ۱۹/۴ درصد کشاورز بوده است.

جدول ۲. اطلاعات توصیفی پاسخگویان

شاخص	متغیر	فراوانی	درصد	شاخص	متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۸۵	۹۷	تحصیلات	دیپلم	۸۵	۲۱/۴
	زن	۱۲	۳		کاردانی	۴۰	۱۰/۱
سن	۳۰-۳۹	۲۳۶	۵۹/۴	کارشناسی	۲۷۲	۶۸/۵	
	۴۰-۴۹	۱۶۱	۴۰/۶	کارمند	۳۲۰	۸۰/۶	
	+۵۰	۰	۰	کشاورز	۷۷	۱۹/۴	

نارسایی بسیار زیادی در قوانین و مقررات بهسازی روستا وجود دارد. در این حوزه وظایف دهیاران به صورت مشارکت و همکاری مؤثر با سازمان ثبت و احوال در جهت ثبت موالید و متوفیات و تهیه آمار مربوطه، تشویق و ترغیب روستاییان به انجام اقدامات لازم در جهت رعایت سیاست‌های دولت، مشارکت و همکاری با شورا در جهت پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی اختصاص یافته به روستا، همکاری با نیروی انتظامی و ارسال گزارش پیرامون وقوع جرائم و اجرای مقررات خدمت وظیفه عمومی، حفظ نظم عمومی و سعی در حل اختلاف محلی، اجرای محصولات شورا، اعلام فرامین و قوانین دولت مربوط و پیگیری حسن اجرای آن‌ها، مراقبت در وضعیت بهداشتی نانوائی‌ها، قصابی‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی و

بهداشتی، بر اساس ضوابط و مقررات مربوط و معرفی اماکن غیر بهداشتی به مسئولان ذیربط، کمک در احداث تأسیسات تولید و توزیع آب برق و مخابرات و تعیین نرخ آن در روستا تا زمان اقدام مراجع ذیربط، مراقبت بر بهداشت ساکنان روستا و تشریک مساوی با وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برای واکسیناسیون در جهت پیشگیری از بیماری‌های واگیردار، جلوگیری از تکدی‌گری و وا داشتن متکدیان به کار، مراقبت بر اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظارت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط، همکاری با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم برای ایفای وظایف آن‌ها، شناسایی زمینه‌های اشتغال، کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها نیازها، و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و امور رفاهی روستا و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی این وظایف تحقق بخش پایداری اجتماعی به خصوص بعد مشارکت در مناطق روستایی است. چنین نارسایی‌هایی به طور حتم چالش‌هایی در محدوده روستا برای مدیران محلی ایجاد می‌نماید که مسیر توسعه پایدار را ناهموار خواهد ساخت. از آنجایی که هدف پژوهش حاضر شناسایی و تعیین چالش‌های اجتماعی موجود است ابتدا به کمک مطالعه پیشینه و سابقه موضوع، چهارچوب نظری و قلمرو پژوهش از طریق روش اسنادی، چالش‌های اجتماعی شناسایی و سپس به کمک مدیران محلی و مطالعات میدانی ۳۱ چالش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

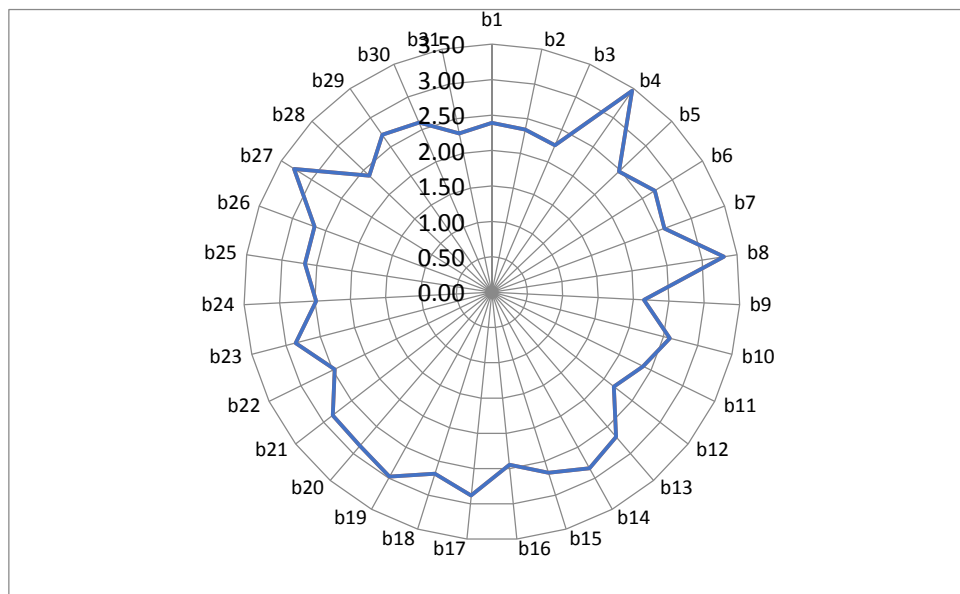
جدول ۳. متغیرهای چالش اجتماعی مدیران محلی

متغیر	شرح	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین	انحراف معیار	رتبه
b1	عدم ایجاد امنیت در روستا	۱۲۴	۷۴	۱۵۹	۰	۴۰	۲/۳۹	۱/۲۱	۲۴
		۳۱/۲	۱۸/۶	۴۰/۱	۰	۱۰/۱			
b2	عدم توجه به نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی	۱۰۷	۱۶۱	۵۲	۴۰	۳۷	۲/۳۴	۱/۲۴	۲۷
		۲۷	۴۰/۶	۱۳/۱	۱۰/۱	۹/۳			
b3	عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره برداری از تأسیسات	۱۲۲	۱۲۸	۷۰	۷۷	۰	۲/۲۶	۱/۰۹	۲۹
		۳۰/۷	۳۲/۲	۱۷/۶	۱۹/۴	۰			
b4	مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه روستایی	۴۵	۴۰	۷۶	۱۵۹	۷۷	۳/۴۶	۱/۲۳	۱
		۱۱/۳	۱۰/۱	۱۹/۱	۴۰/۱	۱۹/۴			
b5	ضعف آموزش و تخصص لازم مدیران محلی	۱۳۷	۱۱۴	۳۷	۳۹	۷۰	۲/۴۷	۱/۴۸	۲۱
		۳۴/۵	۲۸/۷	۹/۳	۹/۸	۱۷/۶			
b6	مهاجرت نخبگان، مطلعین محلی و باسواد روستا به شهر	۱۳۴	۳۷	۷۷	۱۰۹	۴۰	۲/۷۱	۱/۴۳	۱۰
		۳۳/۸	۹/۳	۱۹/۴	۲۷/۵	۱۰/۱			
b7	تمایل نداشتن نخبگان روستایی به عضویت در شوراهای اسلامی و دهیاری	۸۴	۱۶۹	۳۷	۳۷	۷۰	۲/۶۰	۱/۳۸	۱۸
		۲۱/۲	۴۲/۶	۹/۳	۹/۳	۱۷/۶			
b8	عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی	۴۵	۴۰	۱۴۷	۷۶	۸۹	۳/۳۱	۱/۲۴	۲
		۱۱/۳	۱۰/۱	۳۷	۱۹/۱	۲۲/۴			
b9	بی توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی	۱۶۷	۱۱۶	۴۰	۳۷	۳۷	۲/۱۵	۱/۳۱	۳۱
		۴۲/۱	۲۹/۲	۱۰/۱	۹/۳	۹/۳			
b10	نبود کلاس‌های آموزشی برای مدیران محلی	۸۲	۱۴۹	۵۲	۷۷	۳۷	۲/۵۹	۱/۲۷	۱۹
		۲۰/۷	۳۷/۵	۱۳/۱	۱۹/۴	۹/۳			
b11	عدم شرکت مدیران محلی در کلاس‌های آموزشی و تخصصی	۸۵	۱۹۶	۳۹	۳۷	۴۰	۲/۳۷	۱/۲۱	۲۶
		۲۱/۴	۴۹/۴	۹/۸	۹/۳	۱۰/۱			
b12	همکاری پایین اعضای شورای اسلامی با دهیاران	۱۹۹	۴۰	۸۴	۳۷	۳۷	۲/۱۸	۱/۳۸	۳۰
		۵۰/۱	۱۰/۱	۲۱/۲	۹/۳	۹/۳			

۱۲	۱/۲۰	۲/۶۹	۰	۱۵۹	۴۰	۱۱۳	۸۵	تعداد	عدم برنامه‌ریزی از طرف شوراهای و دهیاران	b13
			۰	۴۰/۱	۱۰/۱	۲۸/۵	۲۱/۴	درصد	برای ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی	
۸	۱/۳۵	۲/۸۴	۷۰	۴۰	۱۲۸	۷۴	۸۵	تعداد	مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر	b14
			۱۷/۶	۱۰/۱	۳۲/۲	۱۸/۶	۲۱/۴	درصد		
۱۵	۱/۱۹	۲/۶۷	۳۷	۴۰	۱۵۹	۷۶	۸۵	تعداد	عدم اعتماد دو سویه بین مردم، مدیران روستا و دولت	b15
			۹/۳	۱۰/۱	۱۹/۱	۴۰/۱	۲۱/۴	درصد		
۲۳	۱/۴۸	۲/۴۵	۷۴	۴۰	۰	۱۵۹	۱۲۴	تعداد	نبود انگیزه در اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران برای پیگیری مسائل و مشکلات روستا	b16
			۱۸/۶	۱۰/۱	۰	۴۰/۱	۳۱/۲	درصد		
۵	۱/۰۷	۲/۸۸	۴۰	۴۰	۱۹۶	۷۶	۴۵	تعداد	عدم نگرش تخصصی و علمی در مدیران محلی	b17
			۱۰/۱	۱۰/۱	۴۹/۴	۱۹/۱	۱۱/۳	درصد		
۱۳	۱/۱۸	۲/۶۸	۳۷	۴۰	۱۶۲	۷۶	۸۲	تعداد	پایین بودن سرمایه انسانی (سطح سواد عمومی و تخصصی و ...) مدیران محلی و روستاییان	b18
			۹/۳	۱۰/۱	۴۰/۸	۱۹/۱	۲۰/۷	درصد		
۴	۱/۰۳	۲/۹۷	۰	۱۵۹	۱۱۴	۷۹	۴۵	تعداد	پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی (همدلی، اعتماد، مشارکت، انسجام اجتماعی و ...) در روستاها	b19
			۰	۴۰/۱	۲۸/۷	۱۹/۹	۱۱/۳	درصد		
۷	۱/۰۵	۲/۸۶	۳۷	۳۹	۱۹۶	۸۰	۴۵	تعداد	مشارکت و سهم پایین زنان در ساختار مدیریت محلی روستاها	b20
			۹/۳	۹/۸	۴۹/۴	۲۰/۲	۱۱/۳	درصد		
۹	۱/۳۲	۲/۸۴	۵۲	۷۷	۱۰۷	۷۶	۸۵	تعداد	عدم اشتغال جوانان (بیکاری نیروی کار فعال) در روستا	b21
			۱۳/۱	۱۹/۴	۲۷	۱۹/۱	۲۱/۴	درصد		
۲۲	۱/۳۴	۲/۴۷	۵۲	۳۷	۷۰	۱۲۵	۱۱۳	تعداد	فقدان الگویی مشخص از نحوه ساخت و نوع بافت سکونتگاهی	b22
			۱۳/۱	۹/۳	۱۷/۶	۳۱/۵	۲۸/۵	درصد		
۶	۱/۵۲	۲/۸۶	۹۲	۳۹	۱۰۷	۴۰	۱۱۹	تعداد	برخوردها و درگیری های فیزیکی میان جامعه محلی با افراد غیر بومی به واسطه ساخت خانه‌های دوم در روستا	b23
			۲۳/۲	۹/۸	۲۷	۱۰/۱	۳۰	درصد		
۲۰	۰/۸۲	۲/۴۸	۰	۳۷	۱۶۲	۱۵۳	۴۵	تعداد	حفظ بافت کالبدی در راستای طرح‌های توسعه روستا	b24
			۰	۹/۳	۴۰/۸	۳۸/۵	۱۱/۳	درصد		
۱۴	۱/۱۹	۲/۶۷	۳۷	۴۰	۱۵۹	۷۷	۸۴	تعداد	وجود نارسایی در قوانین و مقررات بهسازی روستاها	b25
			۹/۳	۱۰/۱	۴۰/۱	۱۹/۴	۲۱/۲	درصد		
۱۶	۱/۰۱	۲/۶۷	۳۷	۰	۱۹۹	۱۱۶	۴۵	تعداد	تعداد زیاد دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و انجام موازی کاری در روستاها	b26
			۹/۳	۰	۵۰/۱	۲۹/۲	۱۱/۳	درصد		
۳	۱/۶۳	۳/۲۹	۱۵۹	۳۹	۴۰	۷۷	۸۲	تعداد	انتظارات بالای روستاییان از مدیران محلی و توان محدود شوراهای اسلامی و دهیاران	b27
			۴۰/۱	۹/۸	۱۰/۱	۱۹/۴	۲۰/۷	درصد		
۲۵	۱/۳۴	۲/۳۹	۳۷	۴۰	۱۲۲	۳۹	۱۵۹	تعداد	پایین بودن حس تعاون و همکاری بین روستاییان با مدیران محلی	b28
			۹/۳	۱۰/۱	۳۰/۷	۹/۸	۴۰/۱	درصد		
۱۱	۱/۳۸	۲/۷۱	۷۰	۴۰	۷۶	۱۲۶	۸۵	تعداد	کمبود سازمان‌ها و نهادهای مردمی برای مشارکت در توسعه روستایی	b29
			۱۷/۶	۱۰/۱	۱۹/۱	۳۱/۷	۲۱/۴	درصد		
۱۷	۱/۲۸	۲/۶۰	۴۰	۴۰	۱۵۹	۳۹	۱۱۹	تعداد	دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی	b30
			۱۰/۱	۱۰/۱	۴۰/۱	۹/۸	۳۰	درصد		
۲۸	۱/۰۱	۲/۲۹	۰	۸۰	۳۷	۱۹۸	۸۲	تعداد	عدم مشارکت مردم در ساختار مدیریت روستایی	b31
			۰	۲۰/۲	۹/۳	۴۹/۹	۲۰/۷	درصد		



بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه روستایی با میانگین ۳/۴۶، عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی با میانگین ۳/۳۱، انتظارات بالای روستاییان از مدیران محلی و توان محدود شوراهای اسلامی و دهیاران با میانگین ۳/۲۹ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی مؤثر بر فرایند توسعه پایدار در محدوده مورد مطالعه هستند. مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه روستایی یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی است که مدیران محلی در روستاهای محدوده مورد مطالعه با آن مواجه هستند و دلیل این امر را می‌توان با مطالعه کیفیت زندگی و سطح رفاه روستاییان سنجید. عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی حاصل عملکرد مدیران محلی روستاهای مورد مطالعه است. البته مدیران محلی دلایل موجه‌ای مانند کمبود بودجه و یا عدم تخصیص به موقع اعتبارات را دلیل برخی ناکارآمدی‌ها می‌دانند ولی این امور سبب پایین آمدن سطح اعتماد روستاییان می‌شود. مدیران محلی مدعی هستند سطح توقعات روستاییان از مدیران محلی بالاست که البته دلیل آن را درآمد ناکافی دهیاران و عدم درآمد شوراها می‌دانند و مدعی هستند اگر برای وظایف مدیریتی خود درآمد کافی داشتند به طور حتم می‌توانستند زمان بیشتری را صرف امور مدیریتی نمایند و انتظارات روستاییان را برآورده نمایند. بی توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی با میانگین ۲/۱۵، همکاری پایین اعضای شورای اسلامی با دهیاران با میانگین ۲/۱۸، عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات با میانگین ۲/۲۶ کم اهمیت‌ترین چالش‌های اجتماعی در مسیر توسعه پایدار روستاهای شهرستان شفت است.



شکل ۴. نمودار عنکبوتی رتبه بندی چالش‌های اجتماعی مدیران محلی

لازم به ذکر است تمامی ۳۱ عامل شناسایی شده چالش‌های موجود در مسیر توسعه پایدار روستاهای شهرستان شفت می‌باشد و تنها سعی شده است مهمترین آن‌ها ارائه شوند. پس از شناسایی چالش‌های اجتماعی موجود برای مدیران محلی در فرایند توسعه پایدار روستاهای محدوده مورد مطالعه، می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را مشخص نمود. برای این منظور از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. در این تکنیک پس از کدگذاری متغیرها، آن‌ها را در نرم افزار SPSS وارد نموده و مدل را به کمک بررسی شاخص KMO و بار تلت تأیید یا رد می‌کنیم.

جدول ۴. نتیجه آزمون KMO و بارتلت - چالش‌های اجتماعی

اندازه‌گیری کفایت نمونه‌گیری Kaiser-Meyer-Olkin	آزمون کرویت بارتلت		
	سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-Square تقریبی
۰/۸۴۴	۰/۰۰۰	۳۰	۴۳۰۸۲/۶۴۷

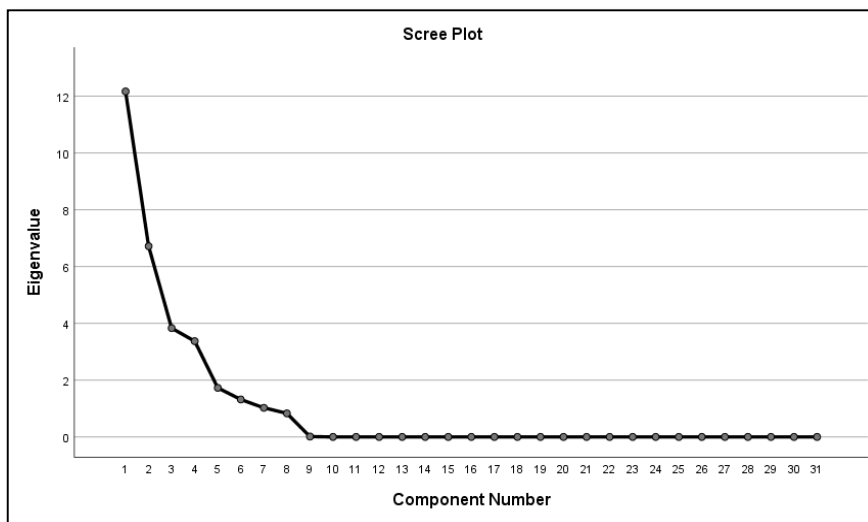
شاخص KMO عدد ۰/۸۴۴ بوده که با همبستگی مناسب پذیرفته شده و سطح معناداری بارتلت ۰/۰۰۰ در سطح خطا ۱ درصد (سطح معناداری ۹۹ درصد اطمینان) می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است و حاکی از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌باشد. با اجرای دستورات تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS متوجه می‌شویم ۷ عامل برای ۳۱ متغیر معرفی شده، استخراج شده است. برای شناسایی عامل‌ها، مقدار ویژه هر عامل محاسبه و با نمودار سنگریزه تعداد عامل‌ها تعیین شد. چرخش عامل‌ها با روش ریاضی و مدل واریماکس صورت گرفت و امتیازهای عاملی با روش رگرسیون بدست آمد. بعد از دوران در مجموع، ۹۷/۲۸۳ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند یعنی ۹۷/۲۸۳ درصد از تغییرپذیری در هفت عامل توضیح داده شده است را بیان می‌کند. لازم به ذکر است که پس از چرخش متغیرها به روش واریماکس، متغیری حذف نشده است (در برخی موارد ممکن است به دلیل نبودن همبستگی و یا پایین بودن بار عاملی متغیری حذف گردد).

جدول ۵. نتیجه تحلیل عاملی چالش‌های اجتماعی در نرم‌افزار SPSS

واریانس کل توضیح داده شده						
عامل‌ها	مقادیر ویژه اولیه		چرخش مجموع بارها		واریانس کل	
	درصد واریانس	واریانس	درصد واریانس	واریانس	واریانس	واریانس
۱	۳۹/۲۴۴	۱۲/۱۶۶	۲۸/۶۲۳	۸/۸۷۳	۲۸/۶۲۳	۲۸/۶۲۳
۲	۲۱/۶۶۸	۶/۷۱۷	۲۰/۲۷۴	۶/۳۴۷	۴۹/۰۹۸	۴۹/۰۹۸
۳	۱۲/۳۵۸	۳/۹۳۱	۱۳/۵۱۹	۴/۱۸۱	۶۲/۶۱۷	۶۲/۶۱۷
۴	۱۰/۸۷۸	۳/۳۷۲	۱۳/۱۸۷	۴/۰۸۸	۷۵/۸۰۴	۷۵/۸۰۴
۵	۸/۵۷۷	۱/۷۲۹	۱۱/۳۳۴	۳/۵۱۳	۸۷/۱۳۷	۸۷/۱۳۷
۶	۴/۲۵۳	۱/۳۱۹	۵/۸۳۷	۱/۸۰۹	۹۲/۹۷۴	۹۲/۹۷۴
۷	۳/۳۰۵	۱/۰۲۵	۴/۳۰۹	۱/۳۳۶	۹۷/۲۸۳	۹۷/۲۸۳

روش استخراج: تجزیه و تحلیل اجزای اصلی

مقدار ویژه عامل اول ۸/۸۷۳ بوده که ۲۸/۶۲۳ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل دو متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل دوم ۶/۳۴۷ بوده که ۲۰/۲۷۴ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۴ متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل سوم ۴/۱۹۱ بوده که ۱۳/۵۱۹ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۷ متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل چهارم ۴/۰۸۸ بوده که ۱۳/۱۸۷ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۲ متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل پنجم ۳/۵۱۳ بوده که ۱۱/۳۳۴ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۳ متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل ششم ۱/۸۰۹ بوده که ۵/۸۳۷ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۱۱ متغیر بارگذاری شده است. مقدار ویژه عامل هفتم ۱/۳۳۶ بوده که ۴/۳۰۹ درصد از واریانس را تبیین کرده است. در این عامل ۲ متغیر بارگذاری شده است. نمودار سنگریزه نیز بیانگر وجود ۷ عامل با مقدار ویژه بزرگتر از یک می‌باشد.



شکل ۵. نمودار سنگریزه چالش‌های اجتماعی مدیران محلی

حال با توجه به ماتریس مولفه‌های تحلیل عاملی پس از دوران درمی‌یابیم کدام متغیرها در کدام عامل خلاصه شده‌اند.

جدول ۶. نتیجه تحلیل عاملی چالش‌های اجتماعی مدیران محلی

بار عاملی	متغیرها	کد	عامل‌ها
۰/۶۵۵	عدم ایجاد امنیت در روستا	b1	عامل ۱
۰/۶۳۵	برخوردها و درگیری‌های فیزیکی میان جامعه محلی با افراد غیر بومی به واسطه ساخت خانه‌های دوم در روستا	b23	
۰/۹۰۲	ضعف آموزش و تخصص لازم مدیران محلی	b5	عامل ۲
۰/۶۷۶	نبود کلاس‌های آموزشی برای مدیران محلی	b10	
۰/۸۸۴	عدم شرکت مدیران محلی در کلاس‌های آموزشی و تخصصی	b11	
۰/۸۸۱	عدم نگرش تخصصی و علمی در مدیران محلی	b17	
۰/۹۱۱	عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره برداری از تاسیسات	b3	عامل ۳
۰/۷۳۶	مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه روستایی	b4	
۰/۷۰۴	تمایل نداشتن نخبگان روستایی به عضویت در شوراهای اسلامی و دهیاری	b7	
۰/۴۹۱	همکاری پایین اعضای شورای اسلامی با دهیاران	b12	
۰/۷۸۷	مشارکت و سهم پایین زنان در ساختار مدیریت محلی روستاها	b20	
۰/۸۱۹	پایین بودن حس تعاون و همکاری بین روستاییان با مدیران محلی	b28	
۰/۹۴۹	عدم مشارکت مردم در ساختار مدیریت روستایی	b31	عامل ۴
۰/۷۲۹	مهاجرت نخبگان، مطلعین محلی و باسواد روستا به شهر	b6	
۰/۸۴۷	مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر	b14	
۰/۷۲۴	عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی	b8	عامل ۵
۰/۸۶۴	عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت	b15	
۰/۷۷۸	انتظارات بالای روستاییان از مدیران محلی و توان محدود شوراهای اسلامی و دهیاران	b27	
۰/۸۰۴	عدم توجه به نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی	b2	عامل ۶
۰/۸۳۱	بی توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی	b9	
۰/۹۱۰	عدم برنامه‌ریزی از طرف شوراها و دهیاران برای ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی	b13	

۰/۸۰۷	نبود انگیزه در اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران برای پیگیری مسائل و مشکلات روستا	b16
۰/۸۸۴	عدم اشتغال جوانان (بیکاری نیروی کار فعال) در روستا	b21
۰/۸۸۴	فقدان الگویی مشخص از نحوه ساخت و نوع بافت سکونتگاهی	b22
۰/۸۸۶	حفظ بافت کالبدی در راستای طرح‌های توسعه روستا	b24
۰/۷۹۶	وجود نارسایی در قوانین و مقررات بهسازی روستاها	b25
۰/۷۶۸	تعداد زیاد دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و انجام موازی کاری در روستاها	b26
۰/۹۰۶	کمبود سازمان‌ها و نهادهای مردمی برای مشارکت در توسعه روستایی	b29
۰/۸۲۸	دشواری نگهداری جمعیت در محیط‌های روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی	b30
۰/۶۳۶	پایین بودن سرمایه انسانی (سطح سواد عمومی و تخصصی و ...) مدیران محلی و روستاییان	b18
۰/۸۶۱	پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی (همدلی، اعتماد، مشارکت، انسجام اجتماعی و ...) در روستاها	b19

عامل ۷

پس از مشخص نمودن عامل‌ها نوبت به نامگذاری و مقایسه بار عاملی آن‌ها با یکدیگر است. بار عاملی مقدار عددی است که میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرآیند تحلیل مسیر مشخص می‌کند. هرچه مقدار بار عاملی یک شاخص در رابطه با یک سازه مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند. همچنین اگر بار عاملی یک شاخص منفی باشد، نشان دهنده تأثیر منفی آن در تبیین سازه مربوطه می‌باشد. به بیان دیگر سؤال مربوط به آن شاخص به صورت معکوس طراحی شده است.

جدول ۷. عامل‌های استخراج شده و سهم هر یک از آن‌ها از تکنیک تحلیل عاملی - چالش‌های اجتماعی

عامل‌ها	بار عاملی
عامل ۱	امنیت
عامل ۲	آموزش
عامل ۳	مشارکت
عامل ۴	مهاجرت
عامل ۵	اعتماد
عامل ۶	نارسایی‌های اجتماعی
عامل ۷	سرمایه گذاری

همان گونه که در نتایج مشخص است مهمترین چالش‌های اجتماعی در شهرستان شفت شامل امنیت، آموزش، مشارکت، مهاجرت، اعتماد، نارسایی‌های اجتماعی و سرمایه گذاری هستند و چالش سرمایه گذاری با بار عاملی ۰/۸۴۸ بیشترین تأثیر را بر فرآیند توسعه پایدار دارد.

۵- بحث و فرجام

مدیریت توسعه روستایی فرآیند چند جانبه‌ای است که شامل مردم، دولت و نهادهای عمومی هستند. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد. با توجه به گذشت بیش از دو دهه از مدیریت نوین روستایی، به نظر می‌رسد مدیران محلی در قالب اعضای شورای اسلامی روستا و دهیاران با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌باشند که این چالش‌ها روند توسعه پایدار روستایی را کند و در مواردی مختل نموده است. بررسی مشکلاتی که مدیران محلی روستاها با آن‌ها مواجه بودند نشان می‌دهد که آن‌ها با چالش‌های مهمی درگیر بوده که بی توجهی به آن‌ها می‌تواند بر کارکرد مطلوب سازمان‌های

مذکور تأثیرات منفی داشته باشند. پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی چالش‌های اجتماعی مدیران محلی در فرایند توسعه پایدار بر آن است بخشی از این مهم را عملی سازد.

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت در فرایند توسعه پایدار بوده است. جهت شناسایی و تعیین چالش‌های اعضای شورای اسلامی و دهیاران روستاهای مورد مطالعه، از روش تمام شماری استفاده شده و از ۳۹۷ مدیر محلی با استفاده از ابزار پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز شده است. در راستای جمع‌آوری اطلاعات کمک گرفته شده است. به کمک مطالعات اسنادی و میدانی، تعداد ۳۱ چالش اجتماعی شناسایی شد. چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت با استفاده از ۳۱ گویه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت پایین روستاییان با مدیران محلی در برنامه‌های توسعه روستایی با میانگین ۳/۴۶، عدم اعتماد و یا اعتماد پایین روستاییان به مدیران محلی با میانگین ۳/۳۱ و انتظارات بالای روستاییان از مدیران محلی و توان محدود شوراهای اسلامی و دهیاران با میانگین ۳/۲۹ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی پیش روی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت در فرایند توسعه پایدار روستایی است. همچنین بی‌توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی با میانگین ۲/۱۵، همکاری پایین اعضای شورای اسلامی با دهیاران با میانگین ۲/۱۸ و عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات با میانگین ۲/۲۶ کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های اجتماعی مدیران روستاهای این شهرستان در مسیر توسعه پایدار روستایی تشخیص داده شده است. سپس در ادامه به کمک تکنیک تحلیل عاملی، مهم‌ترین عامل‌های موجود در چالش‌های اجتماعی شناسایی و نامگذاری شد. در چالش‌های اجتماعی مدیران محلی، ۷ عامل برای ۳۱ متغیر معرفی و استخراج شده است. این عوامل شامل امنیت، آموزش، مشارکت، مهاجرت، اعتماد، نارسایی‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری هستند و چالش سرمایه‌گذاری با بار عاملی ۰/۸۴۸ بیشترین تأثیر را بر فرایند توسعه پایدار دارد. پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پوررمضان (۲۰۲۱) با عنوان تحلیل چالش‌های اجتماعی - فرهنگی مدیران محلی روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت در فرایند توسعه روستایی؛ قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳) بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران؛ جاجرمی و کریمی (۱۳۸۸) بررسی چالش‌های اجتماعی مدیران محلی؛ حیدری مکرری و نظری (۱۳۹۰) بررسی چالش‌های مدیریتی در روستاهای ایران؛ مولائی هاشجین و همکاران (۱۳۹۳) چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل؛ مرادی و آگهی (۱۳۹۳) واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی؛ دربان آستانه (۱۳۹۴) چالش‌های استقرار مدیریت روستایی در روستاهای کوچک و پراکنده کشور؛ محمدزاده (۱۳۹۵) بررسی مشکلات مدیریتی در روستاهای ایران با رویکرد محیط‌زیستی؛ ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) چالش‌های فراروی مدیریت روستایی در ایران؛ شفیع ثابت و سالاری (۱۳۹۸) چالش‌های مدیریت روستایی برای توسعه پایدار روستایی در ایران و ریاحی و معصومی (۱۳۹۹) چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری، همسو بوده و مطابقت داشته است. بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر و به منظور کاهش چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت در فرایند توسعه پایدار پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه نمود:

تشکیل تعاونی‌هایی در روستا که زنان نقش اساسی در اداره آن داشته باشند تا بتوان حس مشارکت فعال آن‌ها را در روستا برانگیخته نمود.

به منظور افزایش مشارکت روستاییان در امور مختلف روستا، از طریق تشریح روستاییان و نظرسنجی از آن‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، می‌توان آن‌ها را به مشارکت بیشتر با مدیران محلی روستاها ترغیب نمود.

بهره‌گیری از تجارب مطلعین، بزرگان و نخبگان روستایی (به ویژه نیروی جوان) در پیگیری و حل مسائل و مشکلات روستا، زمینه‌های استفاده از همه ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی را در اداره امور روستاها فراهم آورد.

عدم اعتماد یکی از بزرگترین موانع و چالشهای مدیران محلی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار است که یک مدیر می‌بایست با جلب اعتماد روستاییان این مسیر را هموار سازد. برخی راهکارهای جلب اعتماد در احترام به عقاید و آداب و رسوم و یا شرکت در مجالس و گردهمایی روستاییان به دلایل ازدواج، ترحیم و مانند آن‌ها قرار دارد. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران روستایی تا بدین ترتیب بتوانند دانش تجربی خود را با دانش روز جهت تعدیل چالش‌های اجتماعی موجود در روستاها ترکیب نمایند. تشکیل سازمان‌ها و نهادهای مردمی در روستا تا بدین وسیله علاوه بر بالا بردن روحیه مشارکت روستاییان، آن‌ها را در جریان امور روستا قرار داده و به سرمایه‌گذاری در روستا امیدوار نمود. تشویق دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاهای مورد مطالعه به تحصیل در رشته‌های مرتبط با برنامه‌ریزی و توسعه روستایی به منظور انتخاب روش‌های علمی و عملی برای حل و یا تعدیل چالش‌های مختلف پیش روی اداره روستاها. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از چالش‌های اجتماعی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت، ناشی از فردنگری و عدم هماهنگی مدیران محلی با مردم روستا می‌باشد، پیشنهاد می‌شود مدیران محلی برنامه‌های اجرایی خود را از طریق جلسات منظم ماهانه به اطلاع روستاییان رسانده و از دیدگاه مردم، نخبگان و مطلعین روستاها استفاده نمایند. برگزاری دوره‌های منظم آموزشی در جهت بهبود و افزایش کارایی و اثر بخشی مدیران محلی روستاهای شهرستان شفت در اداره امور روستاها.

۶- منابع

- ابراهیمی، محمد صادق، اکبری دولت آباد، محمد، و اسکندری، جمشید (۱۴۰۱). ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سازمان‌های مرتبط با مدیریت توسعه روستایی (مطالعه موردی: سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان). *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۳(۱)، ۸۰-۶۱. doi: 10.22077/vssd.2022.4983.1065.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ایمانی، بهرام، سلیمان، رضا، و گلی باقرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶). *چالش‌های فراروی مدیریت روستای در ایران. دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آسایش، حسین (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی روستایی در ایران، چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- آسایش، حسین، و استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۴). *اصول و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (مدل، روش‌ها و فنون)*. تهران: ناشر نمای دانش.
- بدری، سید علی (۱۳۹۰). چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی. *فصلنامه سیاست‌گذاری*، ۲(۱)، ۸۷-۴۳. <https://www.magiran.com/paper/1080375>
- بدری، سیدعلی، و نعمتی، مرتضی (۱۳۸۶). ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی: استان گیلان. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۹(۵۹)، ۱۷۶-۱۶۱. <https://ensani.ir/fa/article/47606>
- جاجرمی، ایمان، و کریمی، علیرضا (۱۳۸۸). چالش‌های اجتماعی مدیران محلی. *مجله توسعه روستایی*، ۱(۱)، ۱۱۴-۸۹. https://jrd.ut.ac.ir/article_20816.html
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی؛ دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
- حیدری مکرری، حمید، و نظری، یاسر (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های مدیریتی در روستاهای ایران (مطالعه موردی روستای صفی‌آباد شهر جوانرود). *اندیشه جغرافیایی*، ۵(۹)، ۲۰-۱۰. https://geonot.znu.ac.ir/article_20754.html
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۴). چالش‌های استقرار مدیریت روستایی در روستاهای کوچک و پراکنده کشور. *پژوهش‌های روستایی*، ۱(۱)، ۲۲۲-۲۰۹. Doi: 10.22059/JRUR.2015.54238
- رضاییان، علی (۱۳۸۰). *مبانی سازمان مدیریت*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.



- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۶). چشم انداز توسعه روستایی در ایران، مبانی اندیشه‌ای الزامات و پیش نیازها. *اقتصاد و جامعه*، ۲(۱۰)، ۱۳۱-۱۲۰. <https://www.magiran.com/paper/434431>
- ریاحی، وحید، و معصومی، مهدی (۱۳۹۹). چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری مورد: شیراز. توسعه فضاهای پیراشهری، ۱۲(۱)، ۸۴-۶۵. Doi: 20.1001.1.26764164.1399.2.1.5.2Dor
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۶). نتایج سرشماری ۱۳۹۵ شهرستان شفت. معاونت آمار و اطلاعات.
- شفیعی ثابت، ناصر، و ابراهیمی‌پور، فائزه (۱۳۹۹). عملکرد مدیریت محلی در بهبود شاخص‌های تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه: بخش اسفندقه در شهرستان جیرفت. *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۱(۴)، ۱۴-۱. Doi: 10.22077/VSSD.2021.4174.1024
- طالب، مهدی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی ثابت، ناصر، و سالاری، افسانه (۱۳۹۸). چالش‌های مدیریت روستایی برای توسعه پایدار روستایی در ایران. تهران: چهاردهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران.
- فیروزنیا، قدیر، و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲). جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی.
- قدیری معصوم، مجتبی، و ریاحی، وحید (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۶(۵۰)، ۱۹۸-۱۷۷. https://journals.ut.ac.ir/article_10064.html
- کبیری، افشار، و ولایتی، محمد (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل چالش‌های مدیریت نوین روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان میاندواب). *فصلنامه روستا و توسعه*، ۲۲(۸۷)، ۹۴-۶۹. Doi: 10.30490/RVT.2020.262968.1009
- محمدزاده، لطیف (۱۳۹۵). مروری بر مشکلات مدیریتی در روستاهای ایران با رویکرد محیط‌زیستی. *فصلنامه انسان و محیط زیست*، ۴۵(۹۷)، ۹۲-۸۳. https://journals.srbiau.ac.ir/article_12771.html
- مرادی، خدیجه، و آگهی، حسین (۱۳۹۳). واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی. *جغرافیا و توسعه*، ۱۲(۳۴)، ۱۸۴-۱۶۲. Doi: 10.22111/GDIJ.2014.1440
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مقیم، محمد (۱۳۸۲). اداره امور حکومت‌های محلی، مدیریت شوراها و شهرداری‌ها. تهران: انتشارات سمت.
- موسوی، سید عارف، و بدری، سید علی (۱۳۹۱). *مدیریت نوین روستایی در جستجوی راه‌کاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها*. تهران: ناشر اشتیاق نور.
- مولائی هشجین، نصرالله، آمار، تیمور، و حاج علیزاده، احمد (۱۳۹۳). چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل. *جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران)*، ۱۲(۴۰)، ۹۱-۷۳. Doi: 10.22034/41.180.126
- مهرزاده، مینوش، و امیرلو، آرش (۱۳۹۶). تحلیل چالش‌های اجتماعی - اقتصادی مدیران در فرآیند توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان). کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران: مرداد ماه ۱۳۹۶.
- مین باشی، احمد، مولایی هشجین، نصرالله، و بیگدلی، آتوسا (۱۴۰۱). تحلیل نقش تحقق مدیریت هماهنگ برنامه‌ریزی توسعه روستایی در توسعه پایدار روستایی استان گیلان. *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۳(۲)، ۶۸-۴۵. Doi: 10.22077/VSSD.2022.5123.1085
- وديعی، کاظم (۱۳۴۸). *مقدمه‌ای بر روستانشینی ایران*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات دانشگاه تهران.
- Brown, P.R., Nelson, R., Jacobs, B., Kokic, P., Tracey, J., Ahmed, M., and DeVoil, P. (2010). Enabling Natural Resource Managers to Self-assess their Adaptive Capacity. *Agricultural Systems*, 103(8), 562-568. Doi: 10.1016/j.agry.2010.06.004
- Pourramza, E. (2021). Analysis of Socio-Cultural Challenges Facing Local Managers in the Process of Rural Development (Case Study: Central District of Rasht County). *Journal of Research and Rural Planning*, 10(3), 98-117. Doi:10.22067/jrrp.v10i3.2101-1015